

# Presenting a Qualitative Model of Islamic Realism with an Anthropological Approach in Order to Extract Educational Implications

## ARTICLE INFO

### Article Type

Analytical Review

### Authors

Mohammad Borzoi<sup>1</sup>,  
Ladan Salimi<sup>\*2</sup>,  
Seyede Esmat Rasouli<sup>3</sup>

### How to cite this article

Mohammad Borzoi, Ladan Salimi, Seyede Esmat Rasouli, Presenting a Qualitative Model of Islamic Realism with an Anthropological Approach in Order to Extract Educational Implications. *Journal of Islamic Life Style*, 2021:5: 135-143.

1. PhD student in Philosophy of Education, Sari Azad University, Sari, Iran.
2. Assistant Professor, Faculty Member, Azad University, Sari Branch, Sari, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Faculty Member, Azad University, Sari Branch, Sari, Iran.

## ABSTRACT

**Purpose:** The present study aims to provide a qualitative model of Islamic realism with an anthropological approach.

**Materials and Methods:** Research method in terms of purpose, basic-applied; According to the type of data, it is a qualitative content analysis that the statistical population of the study included university professors in the field of education who were interviewed with a total of 20 people using purposive non-random sampling method and data adequacy and saturation principle. Semi-structured interviews were used to collect data. Data were analyzed in three stages of open and axial and selective coding.

**Findings:** The results of this study showed that Islamic realism with an anthropological approach includes six dimensions (soul and spirit, nature, intellect, will and authority, two-dimensionality of soul and man, being social) and eighteen main components (truth-seeking, sense Beauty, sense of goodness, primary and secondary nature, perceptual nature, nature of tendency, distinction in thought, character, action, cognition, desire and tendency to cognition, power of cognition, material dimension, spiritual dimension, innate dimension, social participation, charity, empathy And altruism) and finally the model of Islamic realism with an anthropological approach was presented.

**Conclusion:** Islamic realism affects all aspects of education. In this school, the worldview or theoretical wisdom of Islamic realism is the basis of educational issues in this view and the basis of this worldview is monotheism. This relationship is a logical relationship that can have a great impact on the coherence and coordination of its educational system, to present it as a special system of education.

**Keywords:** Islamic Realism, Anthropology, Education

### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: s.ladan@yahoo.com

### Article History

Received: 2020/11/05

Accepted: 2021/01/04

## ارائه مدل کیفی رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی به‌منظور استخراج استلزامات تربیتی

محمد برزویی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

لادن سلیمی<sup>۲\*</sup>

استادیار، عضو هیأت علمی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول).

سیده عصمت رسولی<sup>۳</sup>

استادیار، عضو هیأت علمی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل کیفی رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی انجام گرفته است.

**مواد و روش‌ها:** این پژوهش از نظر هدف، بنیادی-کاربردی؛ از نظر نوع داده، کیفی از نوع تحلیل محتوی است که جامعه آماری پژوهش شامل اساتید دانشگاه در حوزه تعلیم و تربیت بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند و کفایت داده‌ها و اصل اشباع در مجموع با ۲۰ نفر مصاحبه شد. برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. داده‌ها در ۳ مرحله کدگذاری باز و محوری و انتخابی مورد تحلیل قرار گرفتند.

**یافته‌ها:** نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش نشان داد که رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی شامل ۶ بعد (روح و نفس، فطرت، عقل، اراده و اختیار، دو بعدی بودن روح و انسان، اجتماعی بودن) و هجده مؤلفه اصلی (حقیقت‌جویی، حس زیبایی، حس نیکی، فطرت اولیه و ثانویه، فطرت ادراکی، فطرت گرایش، تمییز در اندیشه، منش، کنش، شناخت، میل و گرایش به شناخت، قدرت شناخت، بعد مادی، بعد معنوی، بعد فطری، مشارکت اجتماعی، انفاق، همدلی و نوع دوستی) می‌باشد و در نهایت مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی ارائه شد.

**نتیجه‌گیری:** رئالیسم اسلامی بر همه جنبه‌های تعلیم و تربیت تأثیر دارد. در این مکتب، جهان‌بینی یا حکمت نظری رئالیسم اسلامی، اساس مسائل تربیتی در این دیدگاه است و اساس و پایه این جهان‌بینی، توحید است. این ارتباط یک ارتباط منطقی است که می‌تواند بر انسجام و هماهنگی نظام تربیتی آن تأثیر به‌سزایی داشته، آن را به‌عنوان یک نظام خاص تعلیم تربیت مطرح کند.

**کلیدواژه‌ها:** رئالیسم اسلامی، انسان‌شناسی، تعلیم و تربیت.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

\*نویسنده مسئول: s.ladan@yahoo.com

### مقدمه

بی‌شک انسان از جالب‌ترین و در عین حال جنجالی‌ترین مقوله‌ای است که موضوع بحث صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله ادیان، فلسفه، اخلاق، تربیت، روان‌شناسی<sup>۱</sup> و جامعه‌شناسی<sup>۲</sup> واقع شده است. از آنجا که در همه حوزه‌های اصلی معرفت بشری، بررسی ابعاد وجودی انسان و ویژگی‌های او از مباحث اصلی و بنیادی، محسوب می‌شود، لذا می‌توان گفت «انسان‌شناسی» خط مشترکی است که حوزه‌های فوق را به هم مربوط می‌سازد (۱).

انسان و انسان‌شناسی همواره یکی از مباحث و نخله‌های فلسفی و مکاتب تربیتی بوده است و پیرامون مواردی چون داستان آفرینش و هیبوط وی، ابعاد وجودی او، توانمندی‌های روحی و جسمی‌اش، قوه عقلانی وی و وجه تمایز او با دیگر موجودات عالم، مباحث فراوانی مطرح شده است (۲). موضوع خلقت آدم و جایگاه انسان در اسلام نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در قرآن کریم، آیات فراوانی به بیان مرتبه والای انسان در میان سایر مخلوقات و شرح توانمندی‌ها و خصایص انحصاری او اختصاص یافته است. این آیات برای انسان جایگاه رفیعی را ترسیم کرده به‌طوری که او را جانشین خداوند در زمین و عالم به همه‌ی اسماء الهی معرفی می‌نماید (۳).

آدمی در برخورد با وضعیت گوناگون همواره با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌شود. آنگاه که انسان برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها به روش، یعنی جست‌وجوی منظم و طبق قاعده رو کند و یافته‌های خود را در یک نظام یا سیستم اندیشه جمع‌آوری کند، علم یا فلسفه ساخته می‌شود. (۴) علم، نظامی است از دانستنی‌های آزمودنی و سنجش‌پذیر؛ و فلسفه، نظامی است از اندیشه‌های خردمندانه (۵). در تعریف فلسفه و بنیاد آن می‌توانیم بگوییم: فلسفیدن حالتی از زندگانی است که رنگ ممتاز آن توجه به شناسایی است و فلسفه نتیجه حالت فلسفیدن است (۵). گوردون هولفیش نیز درباره فلسفه می‌گوید: "فلسفه ... مأموریت دارد به انسان در تفکر عمیق‌تر به نتایج روزانه‌اش کمک کند تا انسان با حکمتی بیشتر، آن نتایجی را برگزیند که به همه انسان‌ها کمک کند تا تفکرشان را عمیق‌تر سازند" (۶). آموزش و پرورش در مفهوم وسیع، به کلیه فرآیندهایی اطلاق می‌شود که زندگی فرهنگی را برای انسان تأمین می‌کند. از راه زندگی در فرهنگ و مشارکت در آن، انسان نابالغ به‌تدریج فرهنگ را اخذ می‌کند و در آن سهیم می‌شود. افراد و نهادهای اجتماعی متعددی در فرآیند فرهنگی کردن نسل جوان دست‌اندرکارند (۷). خانواده، گروه هم‌سالان، جامعه، رسانه‌های گروهی، مذهب و دولت همگی بر فرد تأثیر سازنده دارند. نظریه‌پردازان آموزش و پرورش و فلاسفه از دیرباز نقش تربیتی تأثیرات متقابل فرد و جامعه را شناخته و کوشیده‌اند تا نوعی نظام اجتماعی را که بر استعداد‌های انسانی مبتنی بوده و آن‌ها را شکوفا می‌سازد، مشخص نمایند (۸، ۹). به مفهومی رسمی‌تر و عامدانه‌تر، آموزش و پرورش در مدرسه تحقق می‌یابد: نهادهای اجتماعی ویژه‌ای که به‌منظور پروردن مهارت‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های مطلوب در متعلمان تأسیس شده است (۱۰).

<sup>۱</sup> Psychology

<sup>۲</sup> Sociology

تأثیر به‌سزایی داشته، آن را به‌عنوان یک نظام خاص تعلیم تربیت مطرح کند. با توجه به این مقدمه، مبانی تعلیم و تربیت رئالیسم اسلامی را می‌توان به‌طور کلی زیر تعریف کرد:

دیدگاه‌های کلی رئالیسم اسلامی درباره‌ی هستی، خدا، انسان و ابعاد وجودی اوست که پایه و اساس تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد و کمال نهایی، حرکت به‌سوی مقصد نهایی که همان قرب الی‌الله است، می‌داند. این دیدگاه، هدف تعلیم و تربیت در این دیدگاه، قرب الهی و پرورش عبد صالح است، لذا می‌توان گفت: نظام تربیتی رئالیسم اسلامی، خدا محور است (۱۳).

انسان‌شناسی و رویکردهای متفاوت به آن در میان محققان و متخصصان در سالیان اخیر بسیار مورد توجه واقع شده است و مطالعات متعددی در این رابطه برای شناخت هرچه بهتر این متغیر با مبانی دینی و فلسفی آن انجام شده است. امینی خلف لو (۷) در تحقیقی، به بررسی تعلیم و تربیت و رابطه آن با دیدگاه‌های مختلف فلسفی (دیدگاه اسلامی، دیدگاه ایده‌آلیسم، دیدگاه رئالیسم و دیدگاه پراگماتیسم) پرداخت. تأکید دیدگاه اسلامی در این تحقیق بر این اصل استوار است که تعلیم و تربیت باید بر اساس جهان‌بینی اسلام استوار باشد و دیدگاه ایده‌آلیسم نیز بر اندیشه صرف انسان تأکید دارد، ضمن این‌که امور مادی را نیز نادیده نمی‌گیرد. دیدگاه رئالیسم نیز بر ادراکات حسی انسان در کسب تجربه و آموزش تأکید دارد و دیدگاه پراگماتیسم بر عمل‌گرایی و اصالت به عمل، تجربه و حل مسأله تأکید دارند؛ و در پایان به مقایسه این دیدگاه‌ها پرداخت.

فتوتیان و عبدی (۶) نیز در پژوهشی به بررسی رابطه انسان‌شناسی و روش‌شناسی در پارادایم‌های اثبات‌گرایی و رئالیسم انتقادی پرداختند و با در نظر گرفتن ارتباط میان روش‌شناسی و انسان‌شناسی پارادایم‌های رئالیسم انتقادی و اثبات‌گرایی که می‌توان این رابطه را در دیگر پارادایم‌های موجود نشان داد، چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که نمی‌توان بدون در نظر گرفتن مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی هر مکتب به استفاده از مدل روشی آن در چارچوب منظومه معرفتی دیگر پارادایم پرداخت؛ زیرا اصول روشی هر پارادایم در نسبت با نگاه پارادایم به انسان و معرفت و جایگاه او در هستی تشکیل شده است و پذیرفتن اصول روشی آن پارادایم به معنای پذیرش نگاه آن پارادایم به انسان و نحوه کسب معرفت انسان است و اگر بپذیریم که انسان‌شناسی یک پارادایم، با مبانی دینی ما ناسازگار است، باید توجه به نارسایی‌ها و کاستی‌های آن در نگاه دینی باشیم و توجه کنیم که استفاده از مدل‌های روشی آن پارادایم، برای مثال رئالیسم انتقادی، ما را به پژوهش مطلوب در مدل دینی خود نخواهد رساند. همچنین جاویدی کلاته و عالی (۱۴) نیز به بررسی مبانی انسان‌شناسی برخی از فلاسفه‌ی پست‌مدرن و اهداف تربیتی مترتب بر آن پرداختند که در این خصوص، ابتدا مفروضه‌های انسان‌شناسی برخی از نمایندگان اصلی این مکتب مانند مارتین هایدگر، فردریش نیچه، میشل فوکو، ریچارد رورتی و ژان فرانسوا لیوتار درباره‌ی چیستی انسان، چگونگی مسئولیت انسان، انسان زمینی یا انسان مابعدالطبیعی، انسان محصول گفتمان، طبیعت تاریخی انسان و انسان و نیروهای اجتماعی و سیاسی بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که از منظر تربیتی می‌توان انتقادهای اساسی را بر اهداف تربیتی فلاسفه پست‌مدرن وارد کرد که منجر به ناکارآمدی این اهداف در

اکثر فیلسوفانی که درباره تعلیم و تربیت بحث کرده‌اند، از دو طریق فلسفه را با تعلیم و تربیت ارتباط می‌دهند (۱۱، ۵) دسته‌ای، فلسفه را رشته‌ای فرض می‌کنند که درباره متافیزیک، چگونگی معرفت‌شناسی<sup>۲</sup> و ارزش‌شناسی<sup>۳</sup> بحث می‌کند. این دسته آرای فلسفی را بر اساس همانندی‌ها و شباهت‌ها با هم ارتباط داده و مکتب‌های فلسفی را مانند ایده‌آلیسم<sup>۴</sup>، رئالیسم، پراگماتیسم<sup>۵</sup>، فلسفه اصحاب مدرسه، مکتب تحقیقی منطقی و فلسفه وجودی تشکیل می‌دهند از طرف دیگر تعلیم و تربیت نیز رشته‌ای را تشکیل می‌دهد که در آن شاگرد، معلم، مواد درسی، فعالیت‌های تربیتی، روش تدریس و هدف‌های اساسی تعلیم و تربیت مورد بحث واقع می‌شوند (۱۲).

دسته دوم، فلسفه را به‌عنوان روشی مخصوص در برخورد با مسائل تربیتی مورد استفاده قرار می‌دهند به نظر این دسته فلسفه تعلیم و تربیت عبارت است از اجرای روش فلسفی در برخورد با مسائل تربیتی (۱۲).

فلسفه آموزش و پرورش بیشتر جنبه‌ای از فلسفه است که به آموزش و پرورش در معنی محدود و رسمی آن می‌پردازد در این معنی، کار آن بیش از هر چیز سنجش آموزش و پرورش سازمان-یافته‌ای است که مقصد آن آماده کردن نوآموزان است برای زندگی. از اینجاست که پرسش‌های آن، بیشتر درباره برنامه، هدف، روش و بنیادهای فهمیدنی آن‌ها یعنی اصل‌هایی است که باید برگزید (۵).

یکی از ماندگارترین فلسفه‌های دنیای غرب، رئالیسم است. رئالیسم را می‌توان به‌عنوان موضعی فلسفی تعریف کرد که به وجود نظامی عینی از واقعیت و امکان دست‌یابی انسان به معرفت درباره آن واقعیت قائل است. رئالیسم‌ها مانند ایده‌آلیست‌ها گوناگون هستند. خاستگاه مشترک اقسام رئالیست‌ها آثار ارسطو است (۱۰). فیلسوفان اسلامی نیز برخلاف ایده‌آلیست‌ها معتقد به جهان خارج از ذهن هستند و برخلاف شکاکان حقایق عینی را قابل شناخت می‌دانند. ولی دستی را مساوی ماده نمی‌دانند، بلکه معتقدند غیر از جهان مادی نیز حقایق وجود دارد که بهره آن‌ها از واقعیت نه تنها کمتر از مادیات نیست، بلکه بیشتر و والاتر است و از همه بالاتر وجود حق تعالی است که در عین عادی بودن، واقعیت‌بخش هر واقعیت است. منشأ این اعتقاد نیز آشنایی با عقاید ارسطو و دیگر فیلسوفان یونانی و همچنین تحت تأثیر قرآن درباره طبیعت و آفرینش آن بیان شده و توجه به معرفت عمومی است که برای اشیاء، به وجودی مستقل قائل می‌باشند (۱۰). در این مکتب، جهان‌بینی یا حکمت نظری رئالیسم اسلامی، اساس مسایل تربیتی در این دیدگاه است و اساس و پایه این جهان‌بینی، توحید است. این ارتباط یک ارتباط منطقی است که می‌تواند بر انسجام و هماهنگی نظام تربیتی آن

<sup>۱</sup> metaphysics

<sup>۲</sup> Epistemology

<sup>۳</sup> axiology

<sup>۴</sup> Idealism

<sup>۵</sup> Pragmatism

شاید یکی از دلایل کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌های نظام تربیتی ما این باشد که مبانی فلسفی تعلیم و تربیت ما برگرفته از مبانی فلسفی غیر اسلامی است.

از سویی، مروری بر تحقیقات انجام شده در حوزه رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی و تطبیق آن با اهداف عمده‌ی این تحقیق نشان می‌دهد که ارائه مدل بهینه، شناسایی و تطبیق عوامل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی با عنایت بر مأموریت‌های محوله در سازمان آموزش و پرورش، مورد توجه قرار نگرفته است. از این‌رو با توجه به مطالب عنوان شده سؤال اصلی این تحقیق به گونه ذیل مطرح می‌گردد: مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی به‌منظور استخراج استزادات تربیتی کدام‌اند؟

#### مواد و روش‌ها

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر ارائه مدل کیفی رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی است؛ روش پژوهش بر حسب هدف، بنیادی-کاربردی؛ برحسب نوع داده، کیفی از نوع تحلیل محتوی است.

در این تحقیق از روش تحلیل تم استفاده شده که برای تحلیل داده‌های کیفی از روش کدگذاری بهره می‌برد. در طول چند دهه‌ی اخیر به‌طور قابل‌توجهی این شناخت در بین جامعه‌شناسان ایجاد شده است که درک پدیده‌ها و رفتارها به‌طور قابل‌توجهی به‌واسطه‌ی داده‌ها و روش‌های کیفی کامل‌تر خواهد شد. روش‌های کیفی از سنت فلسفی تفسیری یا هرمنوتیکی ناشی می‌شوند که اعتقاد دارد، انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند که به‌طور فعال دنیای پیرامون خود را تفسیر و تجربه می‌کنند.

جامعه‌ی پژوهش در این تحقیق با توجه به قلمرو موضوعی آن شامل ۲۰ نفر از متخصصان حوزه علوم تربیتی آگاه به موضوع تحقیق می‌باشند. از آنجایی که پایگاه داده‌ی مناسبی برای تعیین این گروه از خبرگان در دسترس نبود، از این‌رو برای جمع‌آوری نمونه از روش «گلوله‌برفی»، استفاده شد. نمونه‌گیری در این روش به‌صورت هدفمند و راهبردی بوده و خبرگان بر اساس اهداف خاص تحقیق و راهبردهای حل مسئله انتخاب شده‌اند. اطلاعات مربوط به مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره (۱) بیان شده است.

عرصه عمل شده است، این ناکارآمدی بر گرفته از برخی اشکالات اساسی نهفته در این دیدگاه‌هاست که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: عدم پذیرش دیگری به‌عنوان هدایتگر جریان تربیت، وجود ابهام و نسبی‌گرایی در بیان اهداف تربیتی، وجود تناقض میان اهداف و لوازم تربیتی و عدم توجه به اهداف معنوی زندگی انسان که با توجه به آن می‌توان گفت، این اهداف فاقد جامعیت در تربیت بوده و نمی‌توانند به نیازهای روحی انسان پاسخ دهند. خسروپناه و میرزایی (۱۱)، چستی انسان‌شناسی را مورد بررسی قرار دادند و این‌گونه نوشتند که انسان‌شناسی یکی از مهم‌ترین دانش‌های الهی و بشری است که در حوزه معارف بشری و دینی تأثیر به‌سزایی دارد. تحلیل چستی انسان‌شناسی بر پایه پیشینه، تعریف، ضرورت و انواع آن صورت می‌پذیرد. مطلب قابل‌توجه این‌که انسان‌شناسی دارای انواع فلسفی، دینی، علمی، عرفانی و اخلاقی است. هریک از انواع انسان‌شناسی گرفتار بحران‌هایی است و تنها انسان‌شناسی دینی است که هیچ بحرانی در حوزه آن راه نیافته است. نیبیل امیر (۱)، رزاق (۱۵)، ویلیامز (۱۶)، ترانر و همکاران (۱۷) نیز در بررسی معانی و دلالت‌های محتمل آموزش انتقادی مذهب اسلامی به توسعه روش‌های تطبیقی انتقادی واقع‌گرا برای پژوهش مذاهب، نظام‌های عقیدتی و آموزش و پرورش پرداخته‌اند و معتقدند که یک رویکرد «تطبیقی انتقادی واقع‌گرا» می‌تواند نقاط ضعف روش‌های موجود را کاهش دهد. نتیجه می‌گیرد که هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی می‌توانند بر دیدگاه‌های کنونی درباره «اخبار کذب» و «بررسی حقیقت» به کار گرفته شوند.

از سویی تعلیم و تربیت حقیقی که بتواند به ایجاد تحول در انسان‌ها منجر شود، بدون برخورداری از جنبه‌های نظری مشخص و روشن و داشتن تصویر و توصیفی جامع میسر نیست. از این رو در هر نظام فکری - فلسفی تلاش می‌شود که تعلیم و تربیت آن مبتنی بر دیدگاه‌های فلسفی اصیل رایج در همان جامع استوار گردد. به همین دلیل است که دست‌یابی به یک فلسفه تربیتی بومی همواره از سوی رهبر انقلاب اسلامی و دیگر مسئولان کشور به‌عنوان اولین و مهم‌ترین اولویت نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، قلمداد شده است.

در راستای نیل به اهداف تحول‌بنیادین نظام آموزش و پرورش، شاید یکی از راه‌های پیش‌رو، رجوع به دیدگاه‌های تربیتی مکاتب فلسفی باشد. برای دستیابی به یک نظام تربیتی مستقل باید مبانی اصلی تعلیم و تربیت از آموزه‌های اسلامی و دیدگاه‌های مکاتب فلسفی اخذ شود.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

متغیر	طبقه	فراوانی	متغیر	طبقه	فراوانی	متغیر	طبقه	فراوانی
	پایین‌تر از ۳۹ سال	۲		فوق لیسانس	۵			
	۴۰ تا ۴۵ سال	۸				تحصیلات		
	۴۶ تا ۵۰ سال	۳	سن	دکتری تخصصی	۱۵		اساتید مطلع در حوزه	محل خدمت
	بالای ۵۰ سال	۲		زن	۸	۲۰	مورد مطالعه	
	زیر ۱۰ سال	۶		مرد	۱۲			
	۱۱ تا ۲۰ سال	۴	سابقه کار			جنسیت		
	بالای ۲۰	۵						

کدگذاری گزینشی (انتخابی): کدگذاری انتخابی عبارت است از فرآیند انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن نظام‌مند آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تأیید اعتبار این روابط و تکمیل دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند. کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند.

همان‌گونه که در شکل بالا، قابل مشاهده است، شرایط علیت بر پدیده اصلی تأثیر می‌گذارد، پدیده محوری و زمینه و شرایط مداخله بر راهبردها تأثیر می‌گذارند و استراتژی‌ها بر پیامدها تأثیر می‌گذارند.

لذا شناسایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی با استفاده از رویکرد تحلیل محتوی، در پی آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

سؤال اول: عناصر تشکیل‌دهنده متغیر رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی کدامند؟

سؤال دوم: مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی چیست؟

#### یافته‌ها

بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی و کدگذاری و تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها و درعین‌حال مطابقت آن‌ها با مبانی نظری، طبق نظر مشارکت‌کنندگان شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی را می‌توان در ۶ عامل اصلی، ۱۸ مؤلفه فرعی و ۵۴ شاخص طبقه‌بندی نمود. عوامل اصلی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر عبارت‌اند از: ۱- روح و نفس (حقیقت‌جویی، حس زیبایی، حس نیکی) (۹ شاخص)، ۲- فطرت (فطرت اولیه و ثانویه، فطرت ادراکی، فطرت گرایش) (۹ شاخص)، ۳- عامل عقل (تمیز در اندیشه، منش، کشش) (۹ شاخص)، ۴- اراده و اختیار (شناخت، میل و گرایش به شناخت، قدرت شناخت) (۹ شاخص)، ۵- دو بعدی بودن روح انسان (بعد مادی، بعد معنوی، بعد فطری) (۹ شاخص) ۶- اجتماعی بودن (مشارکت اجتماعی، انفاق، هم‌دلی و نوع‌دوستی) این عوامل و مفاهیم مرتبط در جدول شماره (۲) نمایش داده شده است.

نمونه‌گیری و مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا خواهد کرد که فرایند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری برسد. یعنی زمانی که:

۱- به نظر نمی‌رسد در مصاحبه‌های بعدی داده‌های جدید مرتبط با مقوله‌ها پدید آید؛

۲- مقوله‌ها به غنای کافی رسیده باشند؛

۳- روابط بین مقولات برقرار و تأیید شده‌اند.

به منظور جمع‌آوری داده‌ها، سؤال‌هایی در راستای هدف تحقیق تنظیم و قبل از اجرای مصاحبه و برای اطمینان از روایی یافته‌ها و دقیق بودن، سؤالات با اساتید راهنما و مشاور مورد بررسی و بازبینی قرار گرفت و سپس با برنامه‌ریزی انجام شده و تعیین وقت قبلی، این سؤالات در مصاحبه‌های انفرادی با مشارکت‌کنندگان مطرح شد و صحبت‌های آن‌ها، ضبط و همچنین یادداشت‌برداری شد.

بعد از جمع‌آوری داده‌های کیفی لازم، با استفاده از روش کدگذاری باز و محوری برگرفته از روش اشتراوس و کوربین و همچنین روش تحلیل محتوا به‌مثابه تکنیکی پژوهشی، مفاهیم، مقوله‌ها و عوامل اصلی و فرعی شناسایی گردید. سه مرحله کدگذاری در این رویکرد عبارت‌اند از: الف (کدگذاری باز)، ب (کدگذاری محوری) و ج (کدگذاری انتخابی).

کدگذاری باز: بخشی از تحلیل که مشخصاً به نام‌گذاری و دسته‌بندی پدیده از طریق بررسی دقیق داده‌ها مربوط می‌شود، کدگذاری باز نامیده می‌شود. به عبارت بهتر، در این نوع کدگذاری مفاهیم درون مصاحبه‌ها و اسناد و مدارک بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی می‌شوند. نتیجه این مرحله، تقطیر و خلاصه کردن انبوه اطلاعات کسب‌شده از مصاحبه‌ها و اسناد به درون مفاهیم و دسته‌بندی‌هایی است که در این سؤالات مشابه هستند.

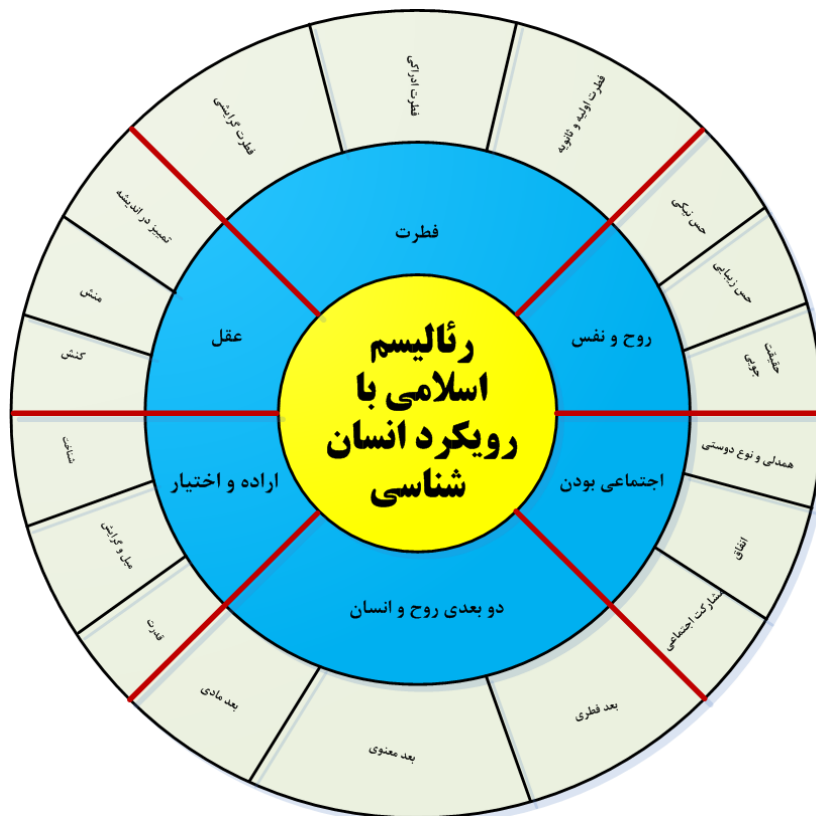
کدگذاری محوری: هدف از کدگذاری محوری ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولیدشده (در مرحله کدگذاری باز) است. این عمل، معمولاً بر اساس الگوی پارسایمی انجام می‌شود و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه‌پردازی را به سهولت انجام دهد. اساس ارتباط دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دارد. دسته‌بندی اصلی (مانند ایده یا رویداد محوری) به‌عنوان پدیده تعریف می‌شود و سایر دسته‌بندی‌ها با این دسته‌بندی اصلی مرتبط می‌شوند.

جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و کدگذاری باز، محوری و انتخابی		
کدگذاری انتخابی (بعد)	کدگذاری محوری (مؤلفه)	کدگذاری باز (شاخص)
	حقیقت‌جویی	انسان موجودی تلاشگر و هدف‌دار در آفرینش خدا است غایت کنجکاو بودن انسان خداست انسان به دنبال حقیقت الهی است
روح و نفس	حس زیبایی	انسان به‌طور فطری به‌سوی زیبایی‌های الهی گرایش دارد انسان به زیبایی خود اهمیت می‌دهد انسان به دنبال زیبایی‌های آفرینش خدا است
	حس نیکی	انسان به فداکاری برای رضایت خدا اهمیت می‌دهد انسان برای کسب رضای خدا در رفتار خود عدالت را رعایت می‌کند انسان همیشه وجدان را مدنظر قرار می‌دهد انسان گرایش به خدا دارد
	فطرت اولیه و ثانویه	ساحت‌های انسان نوعی از فطرت آفرینش الهی هستند انسان به داشتن فطرت الهی اعتقاد دارد انسان به دنبال شناخت خداست
فطرت	فطرت ادراکی	انسان به دنبال شناخت قوانین اولیه آفرینش الهی است گرایش انسان به دگردوستی خدادادی است انسان به دنبال نظم و تربیت است
	فطرت گرایش	خدا انسان را فطرتاً اجتماعی آفریده است انسان به دنبال بندگی و اطاعت خداست خدا به انسان شیوه و روش صحیح زندگی داده است انسان به‌وقت و زمان ارزش قائل است انسان در رفتار خود افراط و تفریط ندارد
	تمیز در اندیشه	انسان حریص امور خویش را برای رضای خداوند رعایت می‌کند خدا همیشه ناظر بر رفتار انسان است انسان فطرتاً علاقه‌مند به مشارکت با سایرین است. انسان در کارهای خود خداوند را ناظر بر رفتار خویش می‌داند انسان با انس و الفت با مردم برخورد می‌کند.
عقل	منش	انسان موجودی عاقل و دارای اختیار آفریده شده است انسان به دنبال کسب علم و آگاهی در جهان هستی است انسان به دنبال شناخت خوبی‌ها و بدی‌ها است انسان میل و گرایش به زیبایی الهی دارد انسان میل به خداپرستی دارد
	کنش	انسان دارای قدرت شناخت و تمیز است خداوند انسان را با قدرت گزینش، آفریده است خداوند در انسان قدرت تصمیم‌گیری فیزیکی قرار داده است انسان دارای بعد مادی است خداوند انسان را از خاک آفریده است انسان به بعد مادی آفرینش اهمیت می‌دهد انسان دارای بعدی معنوی است انسان به روح اعتقاد دارد روح انسان دارای مراتب و درجات آفرینش است
اراده و اختیار	میل و گرایش به شناخت	
	قدرت شناخت	
	بعد مادی	
دو بعدی بودن روح و انسان	بعد معنوی	

انسان دارای معرفت الهی است	بعد فطری	
انسان به خداجویی علاقه دارد		
کمال‌جویی در انسان عامل شناخت خداست		
انسان موجودی اجتماعی آفریده شده است	مشارکت اجتماعی	
انسان زندگی اجتماعی دارد		
انسان علاقه‌مند به زندگی جمعی است		
انسان در راه رضای خدا بخشش مالی دارد	انفاق	اجتماعی بودن
انسان بنا به سفارش خدا، در انفاق حد اعتدال دارد		
انسان برای کسب رضای خدا حمایت مالی از نیازمند به عمل می‌آورد		
انسان برای رضای خدا، زندگی انسان بر معاضدت استوار است	همدلی و نوع‌دوستی	
انسان به دنبال رفاه و آسایش اجتماعی است		
همدلی تسکین روانی افراد جامعه را به دنبال دارد		

مذکور ابتدا به فلسفه ارایه مدل، چشم‌انداز و اهداف توجه شده، سپس مبانی نظری و مدل ساختاری ارایه شده مورد توجه قرار گرفته است. لذا مدل مفهومی رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی در شکل (۱) ارایه شده است.

در نهایت با توجه به ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده حاصل از تحلیل محتوی مصاحبه‌های خبرگان جهت تبیین الگوی مناسب رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی، می‌توان شکل ۱ را به‌عنوان مدل مناسب رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی، ارایه نمود. در مدل



شکل ۱. مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی جهت اعتباربخشی به استلزامات تربیتی

معاصر پرسش‌های مربوط به ماهیت انسان و غایت تعلیم و تربیت در کانون توجه فلاسفه‌ی تعلیم و تربیت قرار گرفته و از اهمیت حساسیت و پیچیدگی بالایی برخوردار شده است. از سوی رئالیسم اسلامی بر همه جنبه‌های تعلیم و تربیت تأثیر دارد. در این مکتب، جهان‌بینی یا حکمت نظری رئالیسم اسلامی، اساس مسائل تربیتی در این دیدگاه است و اساس و پایه این

**نتیجه‌گیری**  
شناخت انسان و مطالعه‌ی ابعاد مختلف او همواره در کانون توجه فلاسفه‌ی تعلیم و تربیت قرار داشته است، زیرا از یک‌سو چگونگی معنا و هدف زندگی انسان تعیین‌کننده‌ی مسیر تربیتی اوست و از سوی دیگر، کشف اصول تعلیم و تربیت مستلزم بررسی دقیق جنبه‌های مختلف حیات انسان است (۱۸). به همین دلیل در دوران

حکمت‌آموزی است دوره‌های آموزشی مرتبط با استفاده از اساتید خبره برگزار گردد. عدالت آموزشی به‌عنوان یکی از راهبردهای شناخت در مدارس مورد ارزیابی سالیانه قرار گیرد. از مدیران لایق و آموزش‌دیده که دارای ذهنیت فلسفه رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی هستند برای اداره مدارس استفاده شود. به افراد آموزش داده شود که هر کسی تفاوت‌های فردی و نقاط ضعف و قوت زیادی دارد که عامل خجالت یا ناراحتی نیست و تنها باید آن‌ها را به نحو مطلوب استفاده کرد. از افراد خواسته شود تا دگر ارزیابی داشته باشند و به آموزش یکدیگر علاقه‌مند و احساس همدلی تقویت شود.

## References

1. Nabil Amir A. Islamization and the Vision of the International Islamic University. BITARA International Journal of Civilizational Studies and Human Sciences. 2019; 2(2): 074-082. e-ISSN: 2600-9080
2. Forouharzadeh H. Man from the point of view of Allameh Tabatabai and its educational implications. Two Quarterly Journal of Islamic Education. Publisher of Hozeh and University Research Institute, 2011; 3(7).
3. Jamshidi M. Analysis and explanation of Ibn Arabi's anthropological ideas and its educational implications. Master Thesis in History and Philosophy of Education. Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan. 2010.
4. Najwan S, Haneen M. the meanings and possible implications of critical Islamic religious education. British Journal of Religious Education. 2020.
5. Naqibzadeh Mir AH. A look at the philosophy of education, Tehran, Tahoori. Twenty-third edition 2008.
6. Fototian A, Abdi H. investigating the relationship between anthropology and methodology in the paradigms of positivism and critical-realism. Journal of Socio-Cultural Knowledge, 2012;3(3): 100-87.
7. Amini Khalaf Lou A. A study of education and its relationship with different philosophical perspectives. 3rd International Conference on Psychology, Educational and Behavioral Sciences. Tehran. 2018.

جهان‌بینی، توحید است. این ارتباط یک ارتباط منطقی است که می‌تواند بر انسجام و هماهنگی نظام تربیتی آن تأثیر به‌سزایی داشته، آن را به‌عنوان یک نظام خاص تعلیم تربیت مطرح کند.

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل کیفی رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی انجام گرفته است که جامعه آماری آن را جامعه کیفی این پژوهش شامل متخصصان حوزه فلسفه اسلامی و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در کشور ایران و اسناد موجود در این زمینه، تشکیل داده‌اند. تلاش پژوهش حاضر برای تدوین مدل مناسب رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی جهت اعتباربخشی به استدلالات تربیتی، از چند منظر واجد اهمیت بسیار است؛ از یک‌سو به شناخت بهتر مخاطبان و آموزش و پرورش نسبت به تغییرات پارادایم مربوط به انسان‌شناسی جهت شناخت استدلالات تربیتی جهت رسیدن به اهداف نظام تعلیم و تربیت در جهان مدرن کمک می‌کند؛ از سوی دیگر مؤلفه‌های مهم تشکیل‌دهنده مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی جهت اعتباربخشی به استدلالات تربیتی در آموزش و پرورش را شناسایی می‌کند؛ و در نهایت استفاده از مدل مناسب رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی جهت اعتباربخشی به استدلالات تربیتی در دنیا با توجه به ضرورت بومی‌سازی الگوها در کشورمان، دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و اهداف سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران را با توجه به شناخت ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن آسان‌تر خواهد ساخت.

علاوه بر اهمیت بالای عنوان تحقیق مبنی بر رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی در سیستم آموزش و پرورش، جایگاه سازمان مورد بررسی نیز بر اهمیت پژوهش می‌افزاید؛ پژوهش حاضر بر دانش‌آموزان به‌عنوان مهم‌ترین و اساس نیروی انسانی ایران تکیه دارد و داده‌های مصداقی و انضمامی پژوهش از متخصصان آگاه و تأثیرگذار بر این سازمان خواهد بود و الگوی نهایی در سطح دقیق‌تر آن منطبق بر ملاحظات این سازمان است. در بررسی یافته‌های پژوهشی در داخل و خارج از کشور با یافته‌های پژوهش حاضر دریافتیم که در درجه اول، طیف محدود مطالعات انجام شده در حوزه رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی، نقطه‌ضعف ویژه‌ای بود که پژوهشگر با آن مواجه شد و در درجه بعد، همان مطالعات انجام شده اندک و همچنین مدل‌ها و تئوری‌های ارائه‌شده، با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، مؤلفه‌های خاصی را بررسی نمودند و مدل پیشنهادی خود را بر آن مبنا ارائه داده‌اند؛ بنابراین، با توجه به شرایطی که عنوان شد، نمی‌توان مدل پیشنهادی در تحقیق حاضر را که با توجه به کمبود منابع، شرایط اسلامی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان و در عین حال، توجه به جهان متغیر و در حال تغییر امروز طراحی و تدوین گشته است، مقایسه نماییم. در نهایت با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادی جهت ارائه راه‌کار به محققان و مسئولان سیستم آموزش و پرورش ارائه می‌گردد.

پیشنهادها: آیات و احادیثی که مربوط به کسب کرامت نفس و عزت و کرامت جمع‌آوری و در اختیار افراد قرار گیرد. افراد با اصول تربیت فلسفی آشنا شوند و در این مسیر، کلاس‌های ضمن خدمت برایشان ارائه شود. هدف از آموزش فلسفه رئالیسم اسلامی به‌عنوان پوسته‌های رنگی و دیوار نویسی روبه‌روی چشمان تمام ارکان آموزشی قرار گیرد. از آنجا انسان همواره به دنبال

experiences with peers. *Personality and Individual Differences*. 2017;119:73–77.

18. Shariatmadari A. *Philosophy*, Tehran, Islamic Culture Publishing Office. Fifth Edition. 1994.

8. Amini, M. Explaining Anthropology from the Perspective of Sabzevari Malahadi and Its Educational Implications. *Two Quarterly Journal of Islamic Education*. Publisher of Hozeh and University Research Institute. 2011;3(7).

9. Hassani, A. Explaining and criticizing Ibn Arabi's view on the perfect man and its educational implications. *Journal of Islamic Quarterly Journal of Islamic Education*. Publisher of Hozeh and University Research Institute. 2012;3(7).

10. Gutak GL. Translation: Pakseresht, Mohammad Jafar. *Educational schools and opinions*, Tehran, Samat. Eleventh edition. 2011.

11. Khosrow Panah AH, Mirzaei R. what is anthropology. *Journal of Religious Anthropology*. 2010; 7( 24):56-35.

12. Shariatmadari A. *Principles and Philosophy of Education*; Tehran, Amirkabir, 36th edition. 2009.

13. Nedayi H. *Philosophy of Education (Vol. I)*. Tehran: Office of Cooperation between the seminary and the university, 1995.

14. Javidi Kalateh Jafarabadi T. Anthropological foundations of postmodernism and its educational implications. *Quarterly Journal of Islamic Philosophy and Theology the Mirror of Knowledge*. Shahid Beheshti University. Summer. 2010.

15. Razzaq A R. Islamic Education Construction In The Perspective Of Falsification Of Karl R. Popper. *Journal Pendidikan Islam*. 2019; 5 (2): 117-32. DOI:10.15575/jpi.v5i2.5846.

16. Williams Ch. Developing critical realist comparative methods for researching religions, belief-systems, and education. *Revista Española de Educación Comparada*. ISSN 2174-5382. 33, pp. 78-105. 2019.

17. Tratner AE, Yael S, Guilherme S, Lopes Alyse D, Ehrke, V A. Weekes-Shackelford, Todd K. Shackelford. Individual differences in childhood religious